

ارزش‌های تربیتی تئاتر کودک*

یدالله وفاداری^{۱*}، دکتر سید مصطفی مختاباد^۲، دکتر سید حبیب... لزگی^۳

^۱ دانشجوی دوره ی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

^۲ دانشیار گروه ادبیات نمایشی دانشکده ی هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

^۳ استادیار دانشکده ی هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۹/۲۲، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۸/۱۱/۱۷)

چکیده:

این مقاله درباره ی ارزش‌های تربیتی تئاتر کودک است و در آن کوشش شده ویژگی‌های پرورشی و آموزشی تئاتر کودک در مدارس بررسی و پژوهش گردد. در ابتدا تعاریفی از تربیت و تئاتر کودک و نظرات برخی صاحب نظران در این رابطه آورده شده و تأثیرات عمیق این نوع تئاتر که منشاء و زمینه اش نمایش بازی‌ها و بازی‌های نمایشی می باشد بر کودکان مطرح گردیده و انواع تئاتر کودک از نظر شکل و محتوی و ویژگی‌های آن که از هر نظر می بایستی خوب باشد و تعریف خوب، بد، ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها مطرح گردیده. همچنین دو بازی نمایشی به نام‌های هل هل گرگ چمبری و شاه دزد بازی معرفی شده و نیز به علت جنبه‌های پرورشی و آموزشی تئاتر کودک که شکل تکامل یافته نمایش بازی‌ها و بازی‌های نمایشی است این سؤال مطرح گردیده که جهت رشد و پرورش شخصیت کودکان در مهد کودک‌ها و مدارس ابتدایی و راهنمایی از این بضاعت تئاتر کودک استفاده می شود یا خیر. با توجه به پیگیری و مطالعات پژوهشگر، این نتیجه حاصل شده که: - به اثرات ارزشمند تربیتی تئاتر کودک و استفاده از آن توجه لازم صورت نگرفته است. - نهایتاً پیشنهاد شده است که بخشی از برنامه‌های مهد کودک‌ها و مدارس ابتدایی و راهنمایی به این مهم (تئاتر کودک) اختصاص یابد.

واژه‌های کلیدی:

تربیت، کودک، تئاتر، تئاتر کودک.

* این مقاله برگرفته از رساله ی دکتری پژوهش هنر نگارنده اول تحت عنوان تئاتر کودک می باشد که در دانشگاه تربیت مدرس در دست انجام است.

** نویسنده مسئول: تلفن: ۰۹۱۹۲۰۵۹۱۰۸، نامبر: ۰۲۱-۶۶۴۱۲۳۹۶، E-mail: y.vafadar@yahoo.com

مقدمه

آماده ترند" (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۶۹، ۲۳۰).
خانه و بعد از آن مدرسه بهترین شرایط را برای تأثیر گذاری بر کودک دارا هستند. ذهنیت شکل نیافته کودک در این دوران آماده ی پذیرش هر گونه تأثیر است. نظر شهید مطهری در مورد تربیت کودکان که در کتاب تعلیم و تربیت در اسلام مطرح شده بدین گونه است. "در مورد تربیت اصولاً اهتمام زیادی می شود که تربیت در سنین کودکی صورت گیرد. اصلاً گفته می شود تربیت فن تشکیل عادت است. روحیه ی انسان در ابتدا حکم ماده ی سیال قابل انعقادی را دارد، مثل گچ که در آب می ریزند شل است و بعد سفت می شود. وقتی این ماده شل است آن را به هر قالبی بریزیم، به همان قالب در می آید. می توان آن را به صورت انسان یا خوک یا خروس در آورد در هر قالبی بریزیم همین که سفت شد همان شکل را می گیرد" (مطهری، ۱۳۶۷، ۷۸).

و نیز گفته شده که تأثیر کودکان بالقوه و به تنهایی این بضاعت را دارد که تأثیری بنیادین و عمیق روی کودک بگذارد و او را برای یک زندگی سالم، هدفمند و با نشاط آماده سازد.

سوال ها:

۱- آیا تأثیر کودک بضاعت کافی جهت تأثیرات تربیتی لازم را به کودکان داراست؟

۲- آیا استفاده از تأثیر کودک جهت تربیت کودکان در مهد کودک ها، آمادگی ها، دبستان ها و مدارس راهنمایی ضروریست؟

فرضیه ها:

۱- تأثیر کودک بضاعت کافی جهت تأثیرات تربیتی لازم را به کودکان داراست.

۲- استفاده از تأثیر کودک جهت تربیت کودکان در مهد کودک ها، آمادگی ها، دبستان ها و مدارس راهنمایی ضروریست.

به گفته ی صاحب نظران تعلیم و تربیت، اساس و زیربنای خوشبختی انسان در گرو تربیت اوست. تربیت است که چون چراغی راهنما، روشنگر تاریکی های زندگی انسان است و او را به سرمنزل مقصود و شرایط مطلوب می رساند.

افلاطون (۳۹۹ ق. م)، در کتاب جمهور برای ساختن مدینه فاضله، بارها بر تربیت کودک تأکید می نماید و معتقد است که بهترین طبیعت به همراه بهترین تربیت، انسان را به مقامی می رساند که هیچ آفریده ای با او نمی تواند برابری کند.

"بدینسان افلاطون بر اهمیت بنیادی تربیت در زندگانی فردی و اجتماعی تأکید می کند و می گوید حتی اگر زندگانی آدمی بر روی زمین چیزی جز بازیگری نقشی که خدا به او سپرده است نباشد، هر مرد یا زن تنها آنگاه می تواند نقش خود را به خوبی بازی کند که از تربیت درست برخوردار شده باشد. از این رو تربیت جدی ترین کار آدمی است و برتری صلح بر جنگ نیز بیش از هر چیز دیگری در آنست که زمینه ای است برای تربیت" (افلاطون، نقل از نقیب زاده، ۱۳۶۸، ۴۲).

ارسطو (۳۸۸ ق. م) نیز در کتاب سیاست به تربیت کودک اهمیت ویژه ای قایل است و اصلی ترین و مهمترین کار حکومت را تربیت کودکان می داند. "شک نیست که قانون گذار باید بیش از هر چیز به تربیت جوانان توجه کند. زیرا بی اعتنائی به تربیت به زیان سازمان جامعه است. به هر نسبت که افراد شایسته تر باشند، به همان نسبت سازمانی هم که از آنان پدید می آید شایسته تر خواهد بود" (ارسطو، ۱۳۳۷، ۳۲۸).

خواجه نصیرالدین طوسی در فصل چهارم کتاب اخلاق ناصری از تربیت کودکان سخن می گوید و یاد آوری می کند که "سخن گفتن از تربیت کودکان نه از آن روست که نیاز آنان به تربیت بیشتر از بزرگسالان است، بلکه از آن روست که کودکان برای تربیت

تأثیر کودک

به نظر می رسد آشنایی بیشتر با تأثیر کودک بتواند ما را به تعریفی که جامع شمول باشد نزدیک کند.

تأثیر کودک نیز مانند هر پدیده ی هنری دیگری دارای دو وجه است. شکل و محتوی. و این تقسیم بندی به این صورت است.

محتوی	شکل
خوب	خوب**
بد**	خوب
خوب	بد
بد	بد

* منظور از خوب همه ی آن فضایی است که از دانایی شجاعت خویشنداری و عدالت نشأت می گیرد.

** منظور از بد همه ی آن رذایلی است که از نادانی ترس ناخویشنداری و ظلم نشأت می گیرد.

شاید ساده ترین تعریف این است که بگوییم:

تأثیر کودک تأثیر است که برای کودکان باشد.

و یا تأثیر است که مسائل کودکان را مطرح نماید.

و یا تأثیر است که کودکان برای کودکان اجرا کنند.

و یا تأثیر است که بزرگسالان برای کودکان اجرا کنند.

و یا تأثیر کودکان قالب هنری جداگانه ایست که از حیث کیفیت،

کاملاً با تأثیر بزرگسال متفاوت است (وود، ۱۳۸۴، ۵۲).

ممکن است تعاریف دیگری نیز بتوانیم مطرح کنیم که هیچکدام جواب کاملی به این سؤال ما نباشد. پس تعریف تأثیر کودک چیست؟

آدم‌ها: ازئی هلن از او هلن
 گرگ‌ها: آغام گفته دسی بده
 آدم‌ها: دسی ندارم چکنم؟
 گرگ‌ها: آغام گفته اوسوم بده
 آدم‌ها: اوسوم ندارم چکنم"

(هاشمی تنگستان، ۱۳۵۶، ۴۸)

این نمایش بازی‌ها و بازی‌های نمایشی مقدمات تئاتر کودک است. کودکان ضمن آشنایی با آنها آماده می‌شوند، مسئولیت‌های جدی تری را در زندگی به عهده بگیرند. تئاتر کودک برای کودک یک نوع بازی است. بازی تفکر کودک است.

"چون مفاهیم عمده از قبیل کمیّت، مسافت، عدد، فضا و شغل را کودک ضمن بازی و در زندگی قبل از دبستان می‌آموزد، از این رو مسئولیت والدین در پرورش رشد ذهنی کودکان حائز اهمیت بسیار است و در واقع آموزش و پرورش کودک بیش از آنچه که بتوان تصور کرد توسط والدین آنان پی ریزی می‌شود" (قاضی، ۱۳۶۶، ۲).

از همین بازی‌هاست که شخصیت کودک تأثیر می‌گیرد و پایه‌ریزی می‌شود. شایان ذکر است که در میان انواع گروه‌های تئاتری حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای که برای کودکان اجرای نمایش می‌نمایند این تأثیر فقط در گروه تئاتر کودک غیر حرفه‌ای که کودکان برای کودکان اجرای نمایش داشته باشند، میسر است. در این نوع تئاتر کودک که شامل متن (که معمولاً بر اساس بدیهه‌سازی اعضای گروه به وجود می‌آید)، بازیگران و کارگردان (مربی کارگردان) می‌باشد، نیازی به تماشاجی نیست. کودکان مجری، خود از کاری که انجام می‌دهند بسیار لذت می‌برند و از آنجا که در هر جلسه تمرین یک مطلب نو و جدید (بر اساس برنامه‌ریزی مربی کارگردان) مطرح می‌شود، کودکان بسیار راضی، خوشحال و شگفت زده خواهند بود. در تمرینات بهتر است که تماشاجی‌ای غیر از اعضای گروه حضور نداشته باشد تا گروه بی‌هیچ نگرانی و در کمال آرامش و در هر جلسه تمرین و اجرا به طور خلاق اثری تولید و مصرف نماید. نتیجه‌ی این تولیدها و مصرف‌ها تماشاجیان، هنرمندان و منتقدین فهمی خواهد شد، که تأثیر به‌سزایی در رشد و تعالی فرهنگ و هنر هر جامعه‌ای خواهد داشت.

"وقتی مدارس دانش‌آموزان را به سالن تئاتر می‌برند، معمولاً فقط برای این است که یک کار خاص را تماشا کنند. اما تئاتر آموزشی متفاوت است و از ابتدا با یک بحث یا موضوع آموزشی شروع می‌کند و نمایش‌هایی را درباره آن موضوع ترتیب می‌دهد. مؤسسات متعددی در انگلستان وجود دارند که تخصصشان این است که نمایش‌هایی را برای اجرا در مدارس آماده کنند. این کارهای نمایشی، معمولاً همراه با کارگاه‌های نمایشی هستند و حتی ممکن است کودکان را در خود اجرا نیز مشارکت دهند.

بدیهی است که بهترین نوع تئاتر کودکان تئاتریست که شکل و محتوی آن خوب باشد و بدترین نوع، بر خلاف تصور بسیاری شکل بد و محتوی بد نیست شکل و محتوی بد خود موجب گریز مخاطب می‌شود. بدترین نوع تئاتر کودک، شکل خوب و محتوی بد است که همچون سمی مهلک تا عمق جان کودک مخاطبش نفوذ کرده و حتی تا پایان زندگی نیز همراه او می‌ماند.

شروع تئاتر کودک در وهله‌ی اول همین نمایش بازی‌های کودکان مانند خاله بازی، معلم بازی، دکتر بازی، دزد و پلیس بازی و امثالهم است. و در مرحله‌ی بعد بازی‌های نمایشی نظیر عمو زنجیر باف، گرگ و گله، و یا شاه دزد و وزیر و امثالهم می‌باشد. "مقصود از بازی‌های نمایشی، آن دسته از بازی‌هاییست که عناصری از تئاتر در آن مشاهده شود. بنابراین هر قدر این عناصر در این گونه بازی‌ها بیشتر یافت شوند (هر چند به صورت ابتدایی) آن بازی بیشتر نمایشی است و هر قدر عناصر نمایشی در آنها کمتر مشاهده شوند، آن بازی، کمتر نمایشی است" (کیانیان، ۱۳۷۰، ۲۹).

به نمونه‌ای از این بازی‌های نمایشی که در بوشهر رواج دارد (داشت) توجه فرمایید:

هل هل گرگ چمبری:

"از میان بازیکنان دو سر گروه (اوسا) انتخاب می‌شود. سپس این دو نفر از میان افراد برای خود عده‌ای را انتخاب می‌کنند. یک گروه در نقش انسان‌ها و گروه دیگر در نقش گرگ‌ها. آن‌گاه رو بروی هم قرار می‌گیرند. هر دسته به شکل عمودی پشت سرهم می‌ایستند و با هر دو دست کمر همدیگر را محکم می‌گیرند. آنگاه گفتگوی میان دو دسته رد و بدل می‌شود. پس از آن نفرات هر دو دسته دست‌های همدیگر را می‌گیرند و هر دسته تلاش می‌کند دسته دیگر را به سوی خود بکشد. هر دسته که برنده شد، دسته دیگر موظف است به آنها سواری دهد.

اولین نکته‌ای که نمایشی بودن این بازی را در ذهن متبادر می‌کند، وجود دو سرگروه است که در حقیقت نقش کارگردان را ایفا می‌کنند. تقابل و تضاد این دو گروه نیز از نکات نمایشی این بازی است. شبیه‌سازی در این بازی به چشم می‌خورد: آدم‌ها نقش گرگ را ایفا می‌کنند. گفتگوی این دو دسته در هنگام بازی که در حقیقت همان دیالوگ نمایش است به شرح ذیل است:

گرگ‌ها: هل هل گرگ چمبری
 آدم‌ها: زهله نداری ببری
 گرگ‌ها: اگر بردم چم می‌کنی
 آدم‌ها: خارخرنجت می‌کنم
 گرگ‌ها: لقمه مو چرب ترن
 آدم‌ها: کارد مو تیز ترن
 گرگ‌ها: خونه خاله کمو هلن

کودکان مخاطبین خود را به جای قهرمان داستان می گذارند و با پیروزی‌های او خوشحال و غمگین می شوند. این هم‌ذات پنداری موجب دل‌بستگی به قهرمان داستان می شود و این دل‌بستگی گاهی مواقع آنقدر شدید، عمیق و مؤثر است که تا پایان عمر مخاطب، اثر خود را از دست نمی دهد.

" اگر بپذیریم که تئاتر، خواه ناخواه بر کودک اثر می گذارد، نخستین فرایندی که این تأثیر را ایجاد می کند همانند سازی است. همانند سازی یا هم‌ذات پنداری را می توان این چنین تعریف کرد: بروز نوعی پیوند قوی با نقشی در روی صحنه، در نتیجه درک برخی از ارتباطات بین آن نقش و خود. البته تماشاگر مجبور نیست نقشی را که با او مطابقت می کند تحسین نماید یا خود را لزوماً با نقشی همانند سازد که تحسینش می کند، در واقع راهنمای همانند سازی با نقش، درک ارتباط نقش با خود آگاه است. تئوری همانند سازی بیشتر حاکی از این است که تماشاگر مایل است از نقشی که به نحوی مثل او است تقلید کند. به عبارت دیگر، وقتی تماشاگر شخصیتی را می بیند که شاید به طور ناخودآگاه خودش را به یاد می آورد، نسبت به او احساس محبت و دل‌بستگی می کند. از آنجا که به آسانی می توان ثابت کرد ما مایل هستیم آنچه که از آن دفاع می کنیم را باور کنیم بنابراین اعمال و افکار نقش‌هایی که با آنها هم‌ذات پنداری می کنیم را به عنوان خواسته‌ها و آرزوهای خود می پذیریم" (گلدبرگ، ۱۳۸۷، ۱۷۱).

به شعر فریدون از عباس یمینی شریف^۵ که حدود نیم قرن پیش در کتاب فارسی دوم دبستان چاپ شده توجه کنیم:

فریدون مهربان است	عزیز کودکان است
به نرمی می زند حرف	همیشه خوش زبان است
به هر جا کودکانند	فریدون در میان است
فریدون نیست ترسو	خودش یک پهلوان است
نمی گوید مگر راست	که حسنش در همان است.

چه طور ممکن است، کودکی با این فضایل مهم اخلاقی یعنی راست گویی، شجاعت، مسئولیت پذیری، مؤدب بودن، مهربان بودن و در نتیجه ی همه ی اینها مورد احترام دیگران قرار گرفتن آشنا شود و نخواهد به جای فریدون باشد و با او هم‌ذات پنداری نکند. اگر این هم‌ذات پنداری و دل‌بستگی بین مخاطب و قهرمان داستان به وجود نیاید، اجرا تأثیر لازم را بر مخاطب نخواهد داشت. به عبارت دیگر سعی گروه اجرا باید بر این باشد که مخاطب با قهرمان داستان همراهی و همدلی کند با او خوشحال و با او غمگین شود. در حقیقت مخاطب بایستی خود را در کشاکش با مشکلات و معضلات خودش ببیند و راه حل فایق آمدن بر مشکلات را کشف کند. بزرگ مرد نکونام سعدی می فرماید:

مرد خردمند هنرپیشه را عمر دو بایست در این روزگار
تا به یکی تجربه اندوختن عمر دگر تجربه بستن به کار

(سعدی نقل از دهخدا، ۱۳۶۳، ۱۵۱۵)

تئاتر کودک همه ی آن بضاعت لازم، جهت آماده کردن کودکان برای ورود به آینده، شروع و ادامه یک زندگی اجتماعی سالم را داراست. آشنایی با فضایل اخلاقی و به کار بستن آنها در زندگی و توانایی تحلیل مسایل و زمینه ایجاد تشخیص خوب و بد و انتخاب آنچه نیک و مبتنی بر فضایل اخلاقیست از دست آوردهای بسیار ارزشمند تئاتر کودک است.

از آنجا که این گروه ها متخصص کارهای آموزشی هستند، اجراهای آنها با توجه به جنبه‌های خاصی از میحث درسی مورد نظر طراحی شده است. بعضی از مؤسسات ممکن است فعالیت خود را به یک مقطع کلیدی خاص مرتبط کنند، و در عین حال دیگر مؤسسات ممکن است پروژه‌های مختلفی برای سنین متفاوت طراحی کنند^۱.

" تئاتر کودک، ساده شده تئاتر بزرگسال نیست بلکه ویژگی‌ها و امتیازات خاص خود را داراست. تولید تئاتر با کیفیت برای بچه‌ها از آن جهت با ارزش است، که می تواند دنیای جدیدی از هیجان و تخیل را برای آنها بسازد" (وود، ۱۳۸۴، ۵۲).

نمونه‌ی این تأثیر در خیمه شب بازی که با استقبال کودکان مواجه می شود به خوبی قابل مشاهده است.

"در کودکی مادرم نمی توانست مرا از کنار بساط خیمه شب بازی^۲ در باغ‌های لوکزامبورگ دور کند. هر روز به آنجا می رفتم و می توانستم تمام روز را همان جا افسون شده به تماشا بایستم. اما نمی خندیدم. آن خیمه شب بازی (پانچ و جودی) من را آنجا مات و مبهوت، به تماشای عروسک‌هایی که حرف می زدند، نگه می داشت. این درست تصویری خیالی از دنیا بود که در نظر من غریب و بعید، اما حقیقی تر از حقیقت جلوه می کرد. به صورت کاریکاتوری بسیار ساده و بی پیرایه که گویی می خواست جوهر ناهنجار و سنگدل حقیقت را برجسته تر نمایان کند (یونسکو، ۱۳۷۰، ۲۳).

۱- نمایش عروسکی

برای اهداف تئاتر کودک می توان از سرگرمی، لذت، پرکردن اوقات فراغت و آموزش نام برد اما باید به این نکته بسیار مهم توجه داشت که هدف اصلی تئاتر کودک تربیت کودک، به وسیله آموزش است. آموزش علمی، اخلاقی، دینی، فرهنگی، هنری و گاهی مواقع بر اساس ضرورت، سیاسی^۳ و استفاده درست و بجا از آموخته هاست. به گفتگویی که در پرده ی سوم صحنه دوم نمایشنامه دوازده ماه نوشته ساموئل مارشاک^۴ بین پروفیسور و خاتون هست توجه کنیم.

(پروفیسور: معلم سرخانه است و خاتون که دختر ده دوازده ساله‌ای است شاگرد او)

پروفیسور: پوزش می خواهم عالیجناب، اما جغرافیا با نظر شما مخالف است. همانطور که می گفتم ساکنین سرزمین‌های معتدل، در زمستان لباس های گرم و نرم می پوشند.

خاتون: چه می خواهید بگویید پروفیسور
پروفیسور: من می خواهم بگویم که این دختر زیبا، سخت به لباس گرم نیاز دارد. نگاه کنید یخ زده است.

خاتون: این بار حق با شماست. هر چند که با چند کلمه کوتاهتر هم این را می توانستید بگویید. شما از هر موقعیتی استفاده می کنید تا به من درس جغرافیا، حساب و یا حتی آواز خواندن بدهید... (مارشاک، ۱۳۵۴، ۱۰۶).

از آنجا که بسیاری از (شایسته تر است بگویم همه ی) آنچه در تئاتر کودک مطرح می شود، برای کودکان جنبه ی آموزشی دارد، پس به جاست که نمایشنامه نویس نیز از هر فرصتی استفاده نموده و آنچه را که لازم است کودک مخاطبش یاد بگیرد برای او مطرح نماید. از ویژگی های مهم تئاتر کودکان هم‌ذات پنداریست. در تئاتر

تئاتر کودک کمک می‌کند که کودک اندیشه و رفتار درست را بیاموزد، از انزوای خود بیرون آید و در گروه و در کنار گروه و گاهی نیز (در صورت لزوم) در مقابل گروه بایستد.

"مدرسه به عنوان دومین اجتماع خاص بعد از خانه، حساس‌ترین محل برای فراگیری رفتارهای اجتماعی و کاربردی کردن علوم با هدف بهبود کیفیت زندگی است. به همین علت توجه به این تلاش فرهنگی و هنری خاص، به موازات آنچه که توسط مدرسان و مربیان محترم در کلاس‌ها آموزش داده می‌شود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. واقعیت آن است که حجم و جدیت دروس، فرصت کافی برای پرداختن به رفتارهای اجتماعی دانش‌آموزان را کاهش می‌دهد" (دولت‌آبادی، ۱۳۸۵، ۱۴).

با تأثیر و ارزشی که تئاتر کودک در پرورش و رشد شخصیت کودک دارد امروزه دیگر تئاتر در مدارس یک امر اتفاقی و تفریحی نیست. به تئاتر کودک نباید به عنوان زنگ تفریح و فوق برنامه نگاه شود بلکه درسی مورد لزوم و مفید است که باید آن را به برنامه‌ی تحصیلی دانش‌آموزان مدارس افزود. در این رابطه به نظرات استاد ارجمند جناب آقای دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی توجه کنیم.

"هنر نمایش نمودار سازنده‌ی انسان است و هستی و باشندگی او، آینه‌ای است که انسان در برابر هستی خود آفریده تا در آن، خود و دیگران و جامعه و طبیعت را بهتر و روشنتر تماشا و نقد کند و از این رهگذر به شناسایی بهتر از خود و دیگران و جامعه و طبیعت فرا رسد. حاصل این جریان دانایی و فرزاندگی است" (ناظرزاده، نقل از دولت‌آبادی، ۱۳۸۵، ۱۸).

"امروزگار در بیشتر دبستان‌ها و دبیرستان‌های کشورهایی که به توسعه یافتگی - و به ویژه به توسعه فرهنگی - بها داده‌اند، هنر نمایش آموزانده و آموخته می‌شود. در آن دبستان‌ها و دبیرستان‌ها فضاها، امکان‌ها و کارافزارهای نمایش تهیه شده است و آموزگاران و دبیران این هنر به کار گرفته شده‌اند" (ناظرزاده، نقل از دولت‌آبادی، ۱۳۸۵، ۱۹).

"The children's theater co.) مؤسسه تئاتر کودکان (CTC) برای خلق تجربیات خارق‌العاده‌ی نمایشی و همچنین ارتقای نمایش به عنوان ابزاری برای آموزش، رقابت و الهام‌بخشی کودکان و جوانان ایجاد شده است. ما به بهبود کیفیت زندگی کودکان و خانواده‌ها در جامعه، کشور و منطقه خود متعهد هستیم.

برنامه آموزش هنرهای نمایشی مؤسسه CTC به منظور ارائه بستری مناسب برای شکوفایی خلاقیت ذاتی کودکان و خانواده‌ها در مینه‌سوتا در نظر گرفته شده است. هنرمندان، متخصصین، مدیران، هنروران جوان و همچنین داوطلبان فعال در این مؤسسه، دست به دست هم داده‌اند تا یک تجربه‌ی هنری معنادار را برای همگان میسر سازند. ما یک برنامه جامع و منسجم ارائه می‌کنیم که به عده‌ای کمک می‌کند تا به اهداف حرفه‌ای خود دست یابند و به دیگران نیز این فرصت را می‌دهد که مهارت‌های لازم برای زندگی در یک اجتماع جهانی متغیر را به دست بیاورند و دیدگاهی ارائه می‌کند که از طریق آن دنیا شکل متفاوتی پیدا می‌کند. با استفاده از راهنمایی معیارهای آموزشی ملی برای هر سن و مقطع، کادر آموزشی ما یک محیط آموزشی غنی، مثبت و امن فراهم می‌آورند تا هر کودک بتواند در این

تئاتر کودک به دلیل اثری که در تغییر اندیشه یا رفتار مخاطب در صورت غلط بودن اندیشه و یا رفتار وی و تصحیح اندیشه و یا رفتار مخاطب در صورت وجود اشکالاتی در اندیشه و یا رفتار وی و تأیید اندیشه و رفتار مخاطب در صورت صحیح بودن اندیشه و رفتار او، این ویژگی را داراست که مخاطب را با تجربیاتی بسیار ارزشمند وارد جامعه نماید. دست آورد مجموعه‌ی این تجربیات انتخاب رشته‌ی تحصیلی، دوست، شغل، همسر و نحوه‌ی اداره‌ی زندگیست.

در تئاتر کودک با استفاده از ساده‌ترین امکانات مثل، یک صندلی و یک پارچه رنگی به جای بارگاه حاکم و یک چوب به جای یک اسب بالدار و یک شاخه‌ی درخت به جای جنگل انبوه به راحتی می‌توان به یک اجرای خوب، کامل و تأثیرگذار رسید. در تئاتر کودک هر چقدر از وسایل و امکانات صحنه، کمتر استفاده شود همانقدر ارزش آموزشی اثر بالاتر می‌رود چرا که کودک مخاطب ما به راحتی می‌تواند آنچه را که دیده در منزل تکرار کند و با همذات‌پنداری با قهرمان داستان سوار بر اسب بالدار به جنگ غول‌ها و دیوان برود.

"باید از این اصل شروع کنیم که همه می‌توانند تئاتر کار کنند و در نتیجه همه می‌توانند طراحی کنند. در کودکی برای خودمان مسائل زیادی به وجود می‌آوردیم، فی‌البداهه تئاتر به وجود می‌آوردیم و بازی می‌کردیم، حتی وقتی قطار بازی یا سرخ پوست بازی می‌کردیم طراحی جزیی از آن بود. کافی بود یک صندلی را واژگون کنیم سوارش شویم و در دیگ را به جای فرمان به کار ببریم. تظاهر می‌کردیم سوار اتومبیل هستیم و رسیدن به پاریس، توکیو و آمریکا را تصور می‌کردیم. با ترمز کردن، پیچیدن و بوق زدن تئاتر واقعی درست می‌کردیم و صندلی طراحی ما بود. هیچ وقت به فکرمان نمی‌رسید که این بازی را با یک اتومبیل واقعی بکنیم. چرا؟ اولاً چون می‌دانستیم که نمی‌توانیم واقعاً رانندگی کنیم، ثانیاً چون اتومبیل واقعی نمی‌توانست از اقیانوس بگذرد و به آمریکا برسد و بیش از هر چیز برای اینکه جلوی تخیلمان را می‌گرفت. نکته همین جاست. در تئاتر باید اشیایی را پیدا کرد (و منظورم از اشیاء طراحی است) که اجازه‌ی جابه‌جا کردن واقعیت را بدهند، که تخیل را تحریک کنند و جمله‌ی شاعرانه‌ای را که می‌گوییم باورکردنی کند" (لوتساتی، ۱۳۶۱، ۳۲).

"کودک ساعت‌ها می‌تواند با خرده ریز بی‌مصرفی خودش را سرگرم کند و از آن مجهزترین و زیباترین وسیله‌ی دلخواهش را پدید آورد. کودک موقعیت را باور می‌کند، شیء را باور می‌کند، خودش را باور می‌کند و البته انتظار دارد که دیگران هم او را باور کنند" (آقا عباسی، ۱۳۸۴، ۲۱۳).

تأثیر این تکرارها انسانی است که از دوران کودکی و نوجوانی به خوبی گذر می‌کند و آگاهانه و با بالندگی پای به دوران جوانی و زندگی اجتماعی می‌گذارد.

یکی از علل شکست در زندگی ترس و کمرویی است. کمترین زیان این دو عامل ناتوانی در ابراز افکار و عقاید و احساسات است. ترس و کمرویی از عدم اعتماد به نفس ناشی می‌شود و کودک به همین علت از گروه و شرکت در کار گروهی و نشان دادن قابلیت‌های خود در گروه دوری می‌جوید و منزوی می‌شود. برای مقابله با این نقطه ضعف می‌بایستی شرایطی فراهم شود که او آنچه را می‌اندیشد بر زبان بیاورد و آنچه نیاز دارد بی‌ترس و واژه‌بخواهد.

محیط، در یک فرایند خلاقانه در بین هم سن و سالان خود، استعدادهای منحصر به فرد خودش را بروز دهد".

هدف از آموزش تئاتر در مدرسه آن است که کودکان فرصتی برای بروز احساسات، هیجانات و افکار خود پیدا نموده و اندیشه، رفتار و گفتار خود را تصحیح نمایند. برای تدریس تئاتر در مدرسه به نمایشنامه‌هایی از نویسندگان بزرگ و سالن تئاتر نیازی نیست و لازم نیست وسایل بسیاری فراهم شود بلکه همان طور که کلاس درس برای تدریس همه ی دروس کفایت می کند، جای تدریس تئاتر نیز همان کلاس درس می باشد.

تمرین های تئاتر کودک در کلاس درس پیش از آنکه در ذهن کودکان معنای تئاتر به خود بگیرند، برای آنان نوعی بازی مطبوع و سرگرم کننده خواهند بود، بازی های کودکانه ای که سرشار از نکات ظریف و عمیق تربیتی است و کودکان سراسر دنیا به نحوی با توجه به شرایط خاص فرهنگی شان انجام می دهند و با همین بازی ها رشد می کنند و بزرگ می شوند. یکی از این بازی های نمایشی بازی شاه - دزد - وزیر است (بهتر است بگویم بود) که برای کودکان به جز سرگرمی و تفریح معنای دیگری ندارد. اما سرشار از نکات تربیتی ارزشمند است که با تاثیرگذاری غیرمستقیم در اندیشه کودکان، آنان را برای درست زندگی کردن آماده می نماید. تعداد نفرات برای این بازی نمایشی حداقل ۴ نفر (شاه، دزد، وزیر و جلال) می باشد. اما می توان با اضافه کردن نقش ها مثل خزانه دار، منجم باشی، آشپزباشی و امثالهم تعداد شرکت کنندگان را به تعداد حاضرین افزایش داد. نقش ها بر اساس قرعه کشی تقسیم می شوند. قرعه ها تکه کاغذهایست (معمولا جدا شده از دفتر مشق) که نقش ها روی آن نوشته و تا شده است. با قرعه کشی و شروع بازی هیجان و اضطراب بر بازی حاکم می شود. طبیعی است که هیچ کس نخواهد نقش دزد به او بیافتد. اولین نفری که شروع به صحبت می کند بازیگر نقش شاه است و از این لحظه نمایش در این بازی آغاز می شود.

شاه: وزیر بنده کیست؟

وزیر: بنده

شاه: دزد را از میان اینها پیدا کن

این دیالوگ ها قراردادی و از پیش تعیین شده است. حالا نوبت وزیر است که بر اساس شواهد و قرائن، کنش ها و واکنش های شرکت کنندگان حدس بزند که دزد کیست. نکته های تربیتی مستتر در این بازی نمایشی از همین لحظه قابل شمارش است.

۱. برای تشخیص و قضاوت باید همه شواهد و قرائن را در نظر گرفت.

در صورتیکه وزیر دزد را معرفی کند، شاه دستور مجازات می دهد و دزد مجازات می شود. مجازات ها خارج از ظرفیت بچه ها نیست. سبیل پنبه ای یا آتشی یا چند بار برخاستن و دوباره نشستن یا دور محل بازی دویدن یا آواز خواندن و امثالهم مجازات هاییست که در این بازی نمایشی، مرسوم، شیرین و قابل تحمل است.

۲. هرکس بر خلاف قانون عمل کند و مجرم باشد باید مجازات شود. اما اگر تشخیص وزیر اشتباه باشد خود او به جرم تهمت زدن مجازات می شود.

۳. هرگز نباید به کسی تهمت زد. تهمت زدن کار پسندیده ای نیست.

۴. تهمت زننده باید مجازات شود حتی اگر وزیر پادشاه باشد. اما به جز این مجازات ها پادشاه می تواند در صورت لزوم دستور عفو و بخشش بدهد. بستگی به این دارد که دوستی ها و رفاقت ها و نهایتاً عشق های پاک کودکانه تا چه حد در بین اعضای گروه رشد کرده باشد.

۵. عفو و بخشش از فضایل ارزشمند اخلاقیست که باید به موقع از آن استفاده کرد.

اما اگر شاه دستوری دهد و پشیمان شود و رأی خود را عوض کند همه شرکت کنندگان حرکتی کودتا مانند انجام می دهند و شاه را خلع و تنبیه می نمایند.

۶. قبل از تصمیم گیری باید خوب فکر شود، پشیمانی سودی ندارد.

۷. هرکس که در تصمیم گیری ها اشتباه کند تنبیه می شود. حتی اگر شاه باشد.

اما مهمترین نکته تربیتی حضور فعال فرد در گروه است، که شخصیتی سازنده و مثبت به فرد می دهد و باعث می شود که کودک بی ترس و واهمه و خجالت، افکار و عقاید خودش را بیان کند. در شادی ها، غم ها و اضطرابات و هیجانات جمع سهیم باشد و بدین وسیله ارتقاء شخصیت پیدا کند و تربیت شود. این بازی نمایشی و این قبیل بازی ها که از نکات تربیتی بسیار ارزشمند برخوردارند، دوران کودکی بچه ها را به نوجوانی می رساند. شایسته است که با جمع آوری و تنظیم این بازی ها از گوشه و کنار مملکت و استفاده از آنها در مراکز تعلیم و تربیت گامی در جهت تربیت و تعلیم غیر مستقیم کودکان برداشته شود.

شایان ذکر است که جهت این مهم نیاز اصلی تربیت مربیان دلسوز، متعهد، متخصص و علاقه مند در این زمینه است.

"اینجاست که مربیان باید از جان خود مایه بگذارند تا آن نتیجه عالی حاصل شود. مانند بیشتر نویسندگان به نام و موفق ادبیات کودکان در سراسر جهان که از میان بهترین مادران و بهترین معلمان برخاسته اند، چرا که نوشتن برای کودکان به مهر و ایثار و گذشت و فداکاری مادرانه نیاز دارد. به همین سبب باید بپذیرد که کار و وظیفه ای بسیار پراچ، و دشوار را بر عهده گرفته است، باید چشمانی آن قدر بینا داشته باشد که هر چه را کودک در دنیای درون و پیرامون خودش می بیند او هم ببیند، گوش هایی آن قدر شنوا داشته باشد که صداهایی را که کودک در دنیای خویش می شنود، بشنود. همه چیز را از دوران کودکی اش دوباره بیاد بیاورد. بیاد بیاورد که در کودکی سقف ها چقدر بلند بودند، سایه ها چقدر عمق داشتند، درخت ها چقدر پر شاخ و برگ. غم ها، شادی ها، خشم ها، نفرت ها و کینه ها چه زود می آمدند و چه زود می رفتند" (جهانشاهی، ۱۳۵۵، ۱۸).

وظیفه ی خطیر مربی تئاتر کودک اگر از آن نویسنده محترم بیشتر نباشد، کمتر نیست. اوست که می تواند با برنامه ریزی و پی گیری دلسوزانه ی برنامه های تعیین شده شرایطی فراهم آورد که اهداف تربیتی کلاس تئاتر به نتیجه مطلوب برسد.

- تعدادی از اهداف تربیتی تئاتر کودک
- ۱- توسعه اعتماد به نفس کودک به وسیله نمایش.
 - ۲- تعالی بخشیدن به کلاس توسط لذت کار خلاق.
 - ۳- ایجاد جوی آرامش بخش و لیکن کوشا.
 - ۴- تأمین نظم و انضباط خوب از طریق مباحثه و تمرین عملی.
 - ۵- تحریک به منظور حداکثر مشارکت در فعالیت گفتاری.
 - ۶- توسعه تفکر منطقی از طریق بدیهه سازی های کاملاً سنجیده.
 - ۷- تحریک کودکان به وسیله کیفیت تخیل یکدیگر و گسترش اطمینان به توانایی خودشان.
- ۸- ایجاد اعتماد به نفس در کودکان نسبت به استعداد تکلم خود.
 - ۹- آشکار نمودن نقایص [قدرت] مشاهده کودکان و بدین لحاظ تحریک به کسب آگاهی بیشتر در مورد امور مربوط به آنها.
 - ۱۰- کسب تجربه ی "تخیل" و در عین حال واقعی که در کار خلاق دیگری نظیر هنر و نویسندگی ارزشی عظیم دارا می باشد.
- اینها فقط پاره ای از هدف ها هستند. به طور خلاصه بر آنیم که از راه نمایش، موجودی حساس، شکیبیا، با تخیل و با هوش پرورش دهیم که با درجه ی دقتی از افکار و حساسیت ژرف خود قادر به ایجاد رابطه و انتقال فکر خود باشد" (فایر کلو، ۱۳۶۷، ۱۵-۱۶).

نتیجه

- با توجه به این توضیحات می توان تئاتر کودک را این گونه تعریف کرد:
- تئاتر کودک تئاتریست که ضمن طرح مسایل مبتلابه کودکان با اجرایی ساده و متنوع، سعی در تغییر یا تصحیح و یا تأیید اندیشه و رفتار کودک مخاطبش دارد.
- اکنون و با توجه به این تعریف و تاثیرات تربیتی ارزشمند و آرای صاحب نظران تعلیم و تربیت که اساس و زیر بنای خوشبختی انسان را در گرو تربیت او می دانند، می توان نتیجه گرفت که تربیت کودک مانند واکسنی است که مانع اختلالات عاطفی و رفتاری کودک شده و زمینه را برای رسیدن کودک به شرایطی مطلوب فراهم می آورد و تئاتر کودک بالقوه این ظرفیت و بضاعت را داراست.
- پیشنهادهای:**
- ۱- تشکیل کمیته ای در آموزش و پرورش مرکب از صاحب نظران تعلیم و تربیت و متخصصین تئاتر کودک و برنامه ریزی لازم برای استفاده از تئاتر کودک در مهد کودک ها و آمادگی ها برای ورود به دبستان و به صدا در آمدن زنگ درس تئاتر در دبستان ها و مدارس راهنمایی.
 - ۲- اختصاص بودجه لازم برای به انجام رسیدن برنامه های تدوین شده
 - ۳- تأسیس رشته ی تئاتر کودک در دانشگاه و آموزش تخصصی آن به مربیان و معلمین علاقمند و متعهد جهت استفاده از ایشان در کلاس های درس تئاتر کودک که این مهم اگر از برنامه ریزی و بودجه اهمیتش بیشتر نباشد کمتر نیست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

پی نوشت ها:

- ۱ منابع اینترنتی.
- ۲ نمایش عروسکی.
- ۳ جهت نمونه می توان از تئاترهای سیاسی برای کودکان در سالهای ۵۰ تا ۵۷ و اجرای مکرر ماهی سیاه کوچولو نوشته ی صمد بهرنگی، حسنک کجایی نوشته ی محمد پرنیان، قصه ی باغ مریم نوشته ی مرتضی رضوان، بچه ها و سگ ها نوشته ی داوود کیانیان نام برد.
- ۴ ساموئل مارشاک: نویسنده ی نمایشنامه ی دوازده ماه است که برای بچه های ۲ تا ۷ ساله اشعار و داستان و نمایشنامه نوشته است. بچه ها با ذوق و شوق اشعار او را از حفظ یاد می گیرند. این نوع ادبیات متناسب با روح کودک است. در اثر قرائت و تماشای این گونه آثار، کودکان با دنیای زیبای افسانه آشنا می شوند و ذوق آنها پرورش می یابد (علوی، ۱۳۲۴، ۴۹).
- ۵ عباس یمینی شریف: "همه ی کسانی که از دهه ی ۲۰ تا کنون به مدرسه رفته اند در کتاب های درسی خود شعری از عباس یمینی شریف خوانده اند: فریدون، اسب، گاو، جوجه طلایی، فرزندان ایران، من پسر، میهن خویش را کنیم آباد، درخت، کتاب، چشمک بزن ستاره و ... او نیم قرن با عشقی پرشور برای کودکان ایران شعرهایی سرود که دهان به دهان می گشت.
- عباس یمینی شریف در سال ۱۲۹۸ شمسی در خانواده ای علاقه مند به شعر و ادب در محله ی پامنار تهران به دنیا آمد. هفت ساله بود که به مکتب خانه رفت تا خواندن و نوشتن بیاموزد. خواندن اشعار بزرگ ادب فارسی و شنیدن اشعار فرخی یزدی در کودکی سبب برانگیختن علاقه ی او به شعر و پرورش ذهن و زبان و بیداری ذوقش گردید. کلاس پنجم ابتدایی بود که به سرودن شعر روی آورد. نوزده ساله بود که به دانش سرای مقدماتی رفت. در آنجا بود که با دنیا و کتابهای کودکان آشنا شد و به تشویق استادش (بنی احمد) به کار برای کودکان مشتاق تر شد و علاقه اش به شعر کودک فزونی یافت. تحصیل در دانش سرای عالی را پی گرفت و در آمریکا هم در زمینه ی آموزش ابتدایی و ادبیات دوره هایی را گذراند" (فرخ مهر، ۱۳۸۵، ۱۷۰-۱۷۱).

۶ بازی دیگری که جنبه نمایشی بیشتری دارد، بازی دزد و قافله است که معمولاً بین چهار یا پنج نفر انجام می شود. قبل از بازی نمایشی، بازی دیگری باید انجام دهند تا به آن وسیله، شخصیت های نمایشی معین شوند. بازی نخست یا با ریگ است که شیرازی ها به آن (قتور) می گویند، یا با ورق. اولین نفر برنده شاه می شود. دومی: وزیر، سومی: میرغضب، چهارمی قافله دار، پنجمی: دزد. اگر چهار نفر باشند شخصیت وزیر حذف می شود. اکنون بازی نخست به اتمام رسیده و شخصیت ها معین شده اند. بازی به این ترتیب آغاز می شود:

قافله دار: (با صدای بلند) شاه، داد و بیداد.

شاه: صد داد و بیداد.

قافله دار: دزد آمده.

شاه: چی چی برده؟

قافله دار: گله و رمه ام را.

شاه: ای داد و بیداد (به وزیر) آهای بگردید و بگیرید این بداصل و بدکردار را.

وزیر: اطاعت قربان. (به میر غضب) های میر غضب بگرد و بگیر و ببند این دزد بدکردار را .

میر غضب: اطاعت قربان. (دست دزد را میگیرد) خوب گرفتمت، ای دزد بدکردار (به وزیر) قربان دزد حاضر و بزم حاضر.

وزیر: (به شاه) اعلی حضرت، دزد حاضر و بزم حاضر.

شاه: کجاست؟

وزیر: در دست میر غضب گرفتار.

شاه: (به دزد) کارت به جایی رسیده است که از رعیت ما دزدی می کنی؟

در اینجا بر مبنای استعداد بازیگران، نقش شاه و دزد، مکالمه بسط پیدا می کند و در نهایت :

شاه: آهای وزیر بگو ببینم با این دزد چه باید کرد؟

بر مبنای رابطه ی وزیر با دزد، یا جریمه ای پیشنهاد می شود، مثلاً داخل حوض شود و سرش را زیر آب کند، یا چیزی را بر پشت بام بگذارد یا بیاورد

و امثالهم. گاه حتی قضیه، با رشوه دادن دزد به شاه و وزیر خاتمه می یابد (سپاسدار، ۱۳۸۶، ۱۹).

فهرست منابع:

- آقاعباسی، یدالله (۱۳۸۵)، نمایش خلاق، نشر قطره، تهران.
- ارسطو (۱۳۳۷)، سیاست، مترجم: حمید عنایت. انتشارات آموزش انقلاب اسلامی تهران.
- جهانشاهی، ایرج (۱۳۵۵)، راهنمای نویسندگان و ویراستار، شورای کتاب کودک، تهران.
- دولت آبادی، حسن (۱۳۸۵)، نمایشنامه های آسان، نشر قطره، تهران.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۳)، امثال و حکم، امیرکبیر، تهران.
- سپاسدار، احمد (۱۳۸۶)، تاریخ تئاتر فارس، انتشارات آوند اندیشه، شیراز.
- شارپ اولین (۱۳۶۶)، بازی تفکر کودک است، مترجم: دکتر قاسم قاضی و نعمت کدیور، مرکز نشر سپهر و انتشارات آموزش، تهران.
- طوسی، خواجه نصیر الدین (۱۳۶۹)، اخلاق ناصری، مترجم: مجتبی مینوی، علیرضا حیدری، انتشارات خوارزمی، تهران.
- علوی، بزرگ (۱۳۲۴)، نشریه پیام نو، انتشارات پیام نوین، تهران.
- فایر کلو، گوردون (۱۳۶۷)، نقش نمایش در تعلیم و تربیت، ترجمه ی داوود دانشور، انتشارات نمایش، تهران.
- فرخ مهر، حسین (۱۳۸۵)، باغ آبی، انتشارات عابد، تهران
- کیانیان، داوود (۱۳۷۰)، تئاتر کودکان و نوجوانان، انتشارات تربیت، تهران.
- گلدبرگ، موسی (۱۳۸۷)، فلسفه و روش در تئاتر کودک و نوجوان، مترجم: اردشیر کشاورزی، انتشارات نمایش، تهران.
- لوتساتی، امانوئل (۱۳۶۱)، بیابید با هم تئاتر کار کنیم، مترجم: ایرج انور، انتشارات سروش، تهران.
- مارشاک، ساموئل (۱۳۵۴)، دوازده ماه، مترجم: فرشته مولوی و هرمز ریاحی، امیرکبیر، تهران.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)، تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا، تهران.
- نقیب زاده، میر عبدالحسین (۱۳۶۸)، فلسفه آموزش پرورش، انتشارات طهوری، تهران.
- ود، دیوید (۱۳۸۶)، تئاتر برای بچه ها، مترجم: سید حسین فدای حسین و رکسانا شاه جانی، انتشارات نمایش، تهران.
- هاشمی تنگستان، جلال (۱۳۵۶)، بازی های محلی، انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر، بوشهر.
- یونسکو، اوژن (۱۳۷۰)، نظرها و جدل ها، مترجم: مصطفی قریب، انتشارات بزرگمهر، تهران.

<http://www.childrenstheater.org>

<http://www.teachernet.gov.uk>